

## ارائه الگوی نظری مولفه‌های تاثیرگذار بر تغییر منظر و چشم‌انداز کالبدی

### روستاهای حاشیه کلانشهرها

#### چکیده

امروزه روستاها تحت تاثیر ساختارهای اجتماعی متفاوت زندگی، عوامل اقتصادی و عوامل درونی (روستا و اجتماعات روستایی) و بیرونی (شهری و غیر شهری) دارای کالبد و کارکردهای متفاوت نسبت به گذشته می‌باشند. در این بین موقعیت فضایی - مکانی این نواحی تاثیر انکارناپذیری بر ساختارهای کالبدی و به تبع آن منظر و چشم‌انداز حاصل از این ساختار در روستاها ایفا می‌کند. بر این اساس، روستاهای حاشیه کلانشهرها، در کنار عوامل درونی، از سبک زندگی شهری نیز بهره‌گرفته و تغییرات قابل توجهی را تجربه می‌نمایند. متقابلاً، تغییرات در منظر اثر مستقیم و بی‌وقفه آشکاری بر مردمی که در پیرامون آن زندگی می‌کنند، خواهد داشت. از این رو لازم است مولفه‌های موثر بر چشم‌انداز و منظر که توسط مردم یا جوامع ارزشگذاری و بکار گرفته شده‌اند، شناسایی شده و الگوی عوامل موثر بر این تغییرات در روستاهای حاشیه کلانشهرها ترسیم شود. بر این اساس، مقاله حاضر به بررسی و تحلیل تئوریک عوامل موثر بر تغییر چشم‌انداز و منظر کالبدی در روستاهای حاشیه کلانشهرها، با روش شناسی تئوریک - نظری - پرداخته است. نتایج بررسی نشان می‌دهد که در این نواحی، علاوه بر عوامل درونی شامل تغییر موقعیت کارکردی، تغییر در الگوهای بهره‌برداری از فضا، عوامل زیست‌محیطی، گرایشهای مذهبی، میزان انسجام اجتماعی، رفاه طلبی و تجملات، تغییر سبک زندگی، تغییر منابع تولیدی، اشتغال، تغییر ارزش زمین و مسکن، عوامل بیرونی در دو قالب مجاورت شهری و ابعاد ملی و فراملی شامل مولفه‌های، توسعه گردشگری و خانه دوم، مهاجرت از شهر به روستا و بلعکس، توسعه و خزش شهری، فناوری اطلاعات و ارتباطات تلفن، اینترنت، ماهواره و تلویزیون، سیاستها و برنامه‌های کلان ملی، تکنولوژی و مکانیزه شدن تاثیرگذار می‌باشند که در قالب مدل مفهومی ارائه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** چشم‌انداز، تغییرات کالبدی، منظر، کلانشهر مشهد، روابط متقابل، نواحی روستایی.

#### ۱- مقدمه

امروزه در کنار تمامی عواملی که به نوعی در تغییر سکونتگاه‌های شهری و روستایی تاثیرگذارند، روابط و تعاملات گسترده و متنوع روستایی - شهری به شکل جریان جمعیت، کالا، سرمایه، اطلاعات، نوآوری و عقاید اثرات مهمی بر سکونتگاه‌های انسانی می‌گذارد. بسیاری از تحولاتی که در شهرها و روستاها پدید می‌آید، نتیجه میزان و چگونگی تعاملاتی است که بین این فضاها وجود دارد (افراخته و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۱). به طور کلی وجود ارتباط متقابل و تنگاتنگ بین شهرها و روستاها سبب گردیده تا توجه به مناطق روستایی و مخصوصاً روستاهایی که در حوزه کلانشهرها قرار گرفته‌اند، بیش از پیش مورد اهمیت قرار گیرد. چرا که کلانشهرها به جهت برخورداری از کارکردهای بسیار متعدد دارای روابط و پیوندهای قوی با نواحی پیرامونی و بالادست روستاهای حوزه نفوذ خود بوده و این ارتباط تاثیرات عمیقی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی آنها برجای می‌گذارد و براین اساس است که امروزه شهرسازان مطالعات خود را منحصر روی فضاهای ساخته شهرها انجام نمی‌دانند بلکه بررسی خود را به سوی روستاهایی که زیر آواراهای شهر به سادگی خرد و سپس بلعیده می‌شوند گسترش می‌دهند (Bonnamour, 1973: 25). حوزه‌های کلانشهری که بواسطه نظام متفاوت روابط مختلف سکونتگاهی و حضور و جریان نیروهای مختلف نشأت گرفته از قطب کلانشهری، سیمایی متفاوت را به کانون‌های روستایی خود بخشیده است؛ پدیده‌ای فضایی - مکانی و جغرافیایی بوده و شناخت، تبیین و کشف قانونمندی‌های کلی حاکم بر آن، از اهمیت نظری و کاربردی ویژه-

ای برخوردار است (اکبر پورو نجفی، ۱۳۸۸: ۶۵). در روستاهای حوزه پیراشهری، تغییرات کالبدی به ویژه، کاربری اراضی به موضوعی فزاینده و جدی تبدیل شده است. ماهیت این روستاها رو به دگرگونی است، به طور کلی که از فعالیت بخش اول اقتصادی یعنی کشاورزی فاصله گرفته و به بخش سوم اقتصادی یعنی خدماتی و مسکونی نزدیک می شود. خارج شدن از فعالیت اصلی کشاورزی، سرعت زیاد تغییر کاربری در داخل روستاهای پیراشهری و گسترش کالبدی آنها پیوسته اتفاق می افتد و در نهایت در قالب برخوردارگاه شهر و روستا نمایان می شود (سجاسی و صدرالسادات، ۱۳۹۴: ۸۳۳). مهمترین تاثیر وقوع چنین تحولاتی تغییر چشم انداز و منظر نواحی روستایی است. جوامع روستایی به عنوان بخشی از چشم انداز و نظام سلسه مراتب سکونتگاهی کشور در طی دهه های اخیر با توجه به دگرگونی های حاصل از سیاست های اجتماعی و اقتصادی بخش های دولتی و خصوصی، ضمن ایجاد رابطه ای پیچیده و تنگاتنگ با جوامع شهری دستخوش تغییرات و دگرگونی های بسیاری در عرضه کالبدی-فضایی خود شده اند. هر سکونتگاه روستایی که در حاشیه و پیرامون مراکز شهری استقرار یافته باشد در معرض گسترش کالبدی شهر قرار گرفته و با چالشی دوسویه روبرو است:

- به دلیل گسترش و پیشروی کالبدی شهر، روستاهای پیرامونی در خطر استحاله و فرورفتن در بافت و کالبد شهر قرار دارند؛
- متاثر از تحولات اقتصادی- اجتماعی و نیروهای بیرونی، کالبد درونی روستا در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری- کارکردی قرار گرفته است (صرافی، ۱۳۷۹: ۲۷).

گسترش تدریجی کالبد شهر به پیرامون و دست اندازی شهر به اراضی روستاهای اطراف، از یک سو کیفیت و ساختار معیشت روستا تحت تاثیر همجواری با شهر به تدریج تغییر ماهیت داده و از مکانی تولیدی با محتوایی غالباً کشاورزی به قانونی بی هویت و انگل شهر تبدیل و در نتیجه ساخت اقتصادی روستا تابع فرایند های اقتصادی شهر می شود، از طرفی وجوه کیفیت اجتماعی- فرهنگی ساکنان روستاها نیز با فاصله گرفتن از تحولات و پویایی اندام وار درونی متاثر از جریان ها و تحولات اجتماعی- فرهنگی بیرونی و برآمده از شهر می شود که به دلیل سرعت و شدت اثرگذاری نتیجه ای جز دگر سویی با ساخت اجتماعی موجود در روستا را ندارد (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲۱). از سویی بخشی از تغییر منظر روستاهای حاشیه کلانشهرها را می توان ناشی از سایر عوامل غیرشهری و گاه درونی روستا دانست که به نوعی سبب تغییر سبک زندگی روستایی و تغییر ساختار و کارکردهای این ساختار فیزیکی دانست. لذا، مطالعه حاضر به دنبال ارائه چهارچوبی تئوریک برای مهمترین عوامل موثر بر تغییرات چشم انداز و منظر کالبدی در روستاهای حاشیه کلانشهرها می باشد.

در خصوص این مساله نیز نظیر بسیاری از موضوعات مرتبط، مطالعاتی وجود دارد که می تواند در راستای استخراج این عوامل و تدوین الگوی نظری تحقیق موثر و مفید باشد و به اختصار به بیان بخشی از آن ها اشاره شده است.

خراسانیان و نظریان ۱۳۹۵، در تحقیق خود به بررسی سیر تغییرات شهر تهران و اثرات آن بر تغییر کاربری اراضی و باغات روستاهای اطراف شهرستان اسلامشهر پرداخته که نتایج تحقیق، فرضیه حاکی از تاثیر معنادار تغییر کاربری اراضی توسط کلانشهر تهران در شهرستان اسلامشهر را تایید می کند. همچنین فرضیه تاثیر معنادار تغییر کاربری اراضی بر رضایت از کیفیت زندگی در همه بخش های مورد مطالعه بصورت کاهش سطح رضایت نسبت به نقطه زمانی ده سال قبل تر نیز تایید گردید. یافته های حاکی از مطالعه جلالیان و همکاران ۱۳۹۴، تحت عنوان فرآیند شهرنشینی و تحول چشم انداز زراعی شهر مینودشت طی دوره ۱۳۳۶ تا ۱۳۸۹، نشان می دهد که، از زمان شهر شدن مینودشت ساختار و کارکرد اراضی پیرامون آن، تحت تاثیر رشد جمعیت شهر و فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی آن پیوسته تغییر یافته است. نتیجه این روند، تغییر و تبدیل کاربری اراضی حاصل خیز منطقه به نفع کاربری های شهری به ویژه مسکونی بوده است. افزاینده و همکاران ۱۳۹۳، پیوندهای کلانشهری و تحولات کالبدی - فضایی روستاهای پیرامون را، تحت تاثیر جریان های فضایی به ویژه جریان سرمایه و مردم (جمعیت) که زمینه تعاملات روستایی - شهری قدرتمند در ناحیه مورد مطالعه است می دانند، که این جریان ها، تحول کالبدی - فضایی (نظام کاربری اراضی، مسکن و ...) در این ناحیه را در پی داشته است. ولی این تحولات در همه ابعاد و همه روستاهای ناحیه مثبت نبوده و تحولات منفی را نیز (نظیر تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی، گسترش الگوی مسکن شهری)

در پی داشته است. مطالعه علیزاده و قیطاسی ۱۳۹۲، اثرات گسترش کالبدی شهرها بر محیط زیست پیرامون (نمونه موردی: شهر ایلام)، را تحلیل کرده اند و به این نتیجه رسیده اند که، شهر ایلام و گسترش آن در سال های اخیر سبب بروز آلودگی های زیست محیطی و تغییر چشم اندازها در حاشیه شهر ایلام را باعث شده است. کاشانی، ۱۳۸۸، در بررسی تغییر کاربری اراضی کشاورزی حاشیه شهر ورامین و عوامل موثر بر آن طی سال های ۱۳۸۵-۱۳۵۴، تایید می کنند که با توجه به موقعیت شهر ورامین (همجواری با تهران) و با ادامه دادن روند مهاجرتها و عدم برنامه ریزی صحیح برای چگونگی توسعه شهر مطمئناً علاوه بر اینکه مقدار زیادی از اراضی حاشیه شهر تخریب خواهد شد توسعه مطلوب شهری هم محقق نمی گردد. لذا لازم است برای توسعه آینده شهر و حفظ اراضی کشاورزی حاشیه آن برنامه ریزی شود.

جونگ یونگ و هان ریو ۲۰۱۵، در بررسی حمایت از چشم انداز روستایی سنتی کره ای در زمینه چشم انداز فرهنگی، تفسیر می کنند که، تغییر چشم انداز نواحی روستایی که در گذشته بیشتر تحت الشعاع روابط متقابل انسان و محیط بود، به شدت متأثر از تغییرات اجتماعی - اکولوژیک دانسته می شود و تا حد زیادی به اجتماعات مرتبط با این چشم اندازها مربوط است. این مطالعه به بررسی علل و فعالیتهای محافظتی صورت گرفته در خصوص تغییر چشم انداز در روستاهای کره جنوبی پرداخته است. استرادا و همکاران ۲۰۱۴، در مطالعه ی خود که در آمریکای لاتین انجام پذیرفته، بیان می کنند که با توجه به اهمیت مبحث مدیریت یکپارچه چشم انداز در بین سیاستگذاران، ذینفعان و مدیران محلی، و محافظت اکوسیستمهای کشاورزی، معیشتی و ... در برابر مخاطرات و تحولات سریع و یا مدیریت مطلوب آن، مهمترین چالشها در راستای این مدیریت چشم انداز بر اساس تحقیق، شامل افق طولانی مدت دستیابی به نتایج مثبت در مقیاس، سیاستهای غیرحمایتی موجود، دشواری برقراری پیوند بین بخش خصوصی و سایر ذینفعان می باشد که همگی فرایند تغییر غیرمدیریت شده چشم انداز را تسریع می نماید.

با توجه به مطالعات صورت گرفته توسعه کلانشهرها اثراتی را برجا گذاشته این اثرات در بعضی نقاط مثبت و در بعضی منفی تلقی می گردد. اما بیشترین تاثیر وارد از این توسعه از بین رفتن شکل و بافت روستاهای نزدیک کلانشهرهاست به صورتی که دیگر اثری از روستا در آن ها دیده نمی شود و در بیشتر این روستاها نقش خوابگاهی دیده می شود برای کسانی که توان لازم برای تهیه مسکن در کلانشهرها را ندارند. از دیگر اثرات می توان به گسترش آلودگی های زیست محیطی، کاهش کشاورزی و دامداری اشاره کرد.

## ۲- مبانی نظری تحقیق

در دهه های اخیر، توسعه شهرنشینی به ویژه در حوزه های مجاور کلانشهرها، از طریق افزایش ساخت و ساز و فعالیتها باعث گسترش نفوذ شهر به نواحی روستایی اطراف شهر شده است. در طی این فرایند توسعه، عدم وجود الگوی مناسب، ناهنجاری کاربری اراضی پیرامون شهری مانند تخریب زمین های کشاورزی، ادغام بی رویه روستاها در کالبد شهر، افزایش هزینه زیرساختها و خدمات شهری، عدم استفاده بهینه از زمین، مشکلات زیست محیطی و ... را به دنبال داشته است (هادیزاده، ۱۳۹۴: ۱۳). اشکال تاثیرگذاری شهرها در نواحی حاشیه و روستایی را می توان در ابعاد مختلف بیان کرد که یکی از این ابعاد بعد کالبدی می باشد. این بعد از تغییرات را می توان به دو صورت مشاهده نمود، اول اینکه شهر با بسط و گسترش روزافزون خود به لحاظ چشم اندازهای زیبا و دیدنی در محیط سکونتگاهی خویش روستاییان را هنگام رابطه و رفت و آمد به شهر با این تجملات آشنا می سازد به گونه ای که این رفت و آمدها موجبات دگرگونی در ذهن و اندیشه روستایی گردیده و روستایی برای استفاده از این امکانات و تسهیلات نوین زندگی ناچار به سازگار کردن محیط مسکونی خود با این تحولات می شود. می بینیم که تغییر در اندیشه، سخن و فرهنگ روستاییان در الگوپذیری از شیوه های معیشتی محیط های شهری آنها را وادار به ایجاد تغییرات در فضا و کالبد روستاهای خود برای هماهنگ شدن با تحولات زمانی می کند. در مورد دیگر شهر با سازوکارهای سازمانی خود و برای گسترش خدمات رسانی به روستاها و ارائه امکانات زندگی به آنها با خود الگوها و اشکال زندگی شهری را به روستاها می برد (شمس الدینی، ۱۳۸۷: ۴۴). عوامل غیر شهری مانند جهانی شدن، مدرنیته، فناوری اطلاعات و ارتباطات،

تکنولوژی و مکانیزه شدن و ... همچنین عوامل درونی روستا همچون موقعیت کارکردی روستا، عوامل زیست محیطی، انطباق تغییرات کالبدی با محیط زیست، گرایش های مذهبی روستاییان، رفاه طلبی و تجملات، تغییر در منابع تولیدی، تغییر در الگوهای بهره برداری از منابع، مجموعه عوامل مطرح شده می تواند به گونه مشترک و با نقش کلیدی و محوری یک یا چند عامل و الگوی طبیعی، بر اسکان، شکل گیری و توسعه بافت و منظر روستا اثر گذار باشد. نکته مهم آن که محیط «به دلیل مقیاس و خصوصیت های شناخته شده و در مورد برخی الگوهای طبیعی» از زمان اسکان و مکان یابی روستا تا توسعه منظر و ساخت و سازهای پس از تشکیل آن انکار ناپذیر است (تقوایی، ۱۹:۱۳۹۱). گسترش پدیده روستانشینی شهری، که طی آن بسیاری از ساکنین کلانشهرها، روستاهای حومه شهر و حتی نواحی روستایی دورتر را برای سکونت برگزیده اند، چشم اندازهای روستایی را به شدت دگرگون ساخته و موجب تغییر کاربری و تخریب بخشهایی از اراضی زراعی، باغی، تحولات کالبدی- فضایی روستاها، تاثیر بر ساخت و سازها گشته اند. عواملی همچون جهش سریع قیمت زمین و بهره وری رو به کاهش فعالیت های کشاورزی، موجب تداوم و گسترش روند تخریب چشم اندازهای روستایی و تغییر کاربری اراضی زراعی گردیده است (امیر انتخابی، ۱۴:۱۳۹۲). بسیاری از عوامل می توانند در طراحی و تغییر منظر نیز تاثیرگذار باشند، این عوامل نیز موجب تغییر در کارکرد چشم انداز کالبدی، هویت چشم انداز کالبدی، اجزاء و عناصر چشم انداز کالبدی و ویژگیهای چشم انداز کالبدی می شوند.

روستاها به عنوان مکان هایی در مقیاس محلی با دارا بودن هویت، فرهنگ، شیوه معیشت و فضاهای زندگی مربوط به خود، به طور روزافزونی در سراسر جهان در معرض تغییرات شدید هستند (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۵۵:۱۳۹۴). شکل گیری خصوصیات کالبدی روستا با تاثیرپذیری از مسایل مرتبط با انسان، همانند مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، شرایط زیست محیطی و طبیعی (خاکپور و عشقی صنعتی، ۴:۱۳۹۲) بافت کالبدی-فیزیکی را به عنوان تجلی گاه، در گذر زمان و با تغییر در ساختارها و کارکردها و پدید آمدن نیازمندی های نوین ایجاد نموده است. اما اگر این تغییرات نتواند با شرایط زمان و مکان آن جامعه سکونتگاهی وفق داده شود، به مرور توسعه نیافتگی و آشفتگی کالبدی را در پی خواهد داشت. با این تحولات فضایی در عرصه روستاها و بروز مشکلات و نارسایی های منتج از آن، در شیوه سکونت و به دنبال آن تاثیرپذیری از محیط شهری، بافت و سیمای کالبدی-فضایی روستاها به شدت دستخوش تحول و دگرگونی گردیده و به طور فزاینده بر الگوهای معماری بومی و هویتی روستاها تاثیرات منفی را به جای گذاشته است (سرتیپی پور، ۴۹:۱۳۸۵). عدم شناخت کافی نسبت به این تغییرات و منظر بومی و ارزشمند موجود و در نتیجه جهل به الگوهای منظرین در طول سالیان موجب تخریب منظر و گسست خاطرات خواهد شد و نتایج تاسف باری را به بار خواهد آورد (رمضانی و لیوانی، ۴۰:۱۳۹۳). در طول چند دهه گذشته نگرانی در مورد ناپدید شدن مناظر سنتی و ظهور مناظر جدید، تبدیل به یک مسئله جدی در هر دو کشور پیشرفته و در حال توسعه شده و سبب تغییرات گسترده و چشمگیر از مناظر فرهنگی از جمله گونه ها، زیستگاه ها و تغییرات هویت (عینالی و همکاران، ۶۲۰:۱۳۹۶)، مناظر اقتصادی، مناظر اجتماعی-فرهنگی و کالبدی چشم انداز شده است. این تغییرات و دگرگونی ها در عرصه های روستایی در کنار تغییرات درونی، غالباً منشا بروزنا دارد و بواسطه رخدادهای بیرونی در سطح محلی، منطقه ای و ملی پدیدار می شوند و در پی این فرآیند سکونتگاه های روستایی در معرض «نوآوری هایی» قرار می گیرند که اغلب اصالتا در بیرون از عرصه های روستایی شکل گرفته اند (درویشی و همکاران، ۱۰۰:۱۳۹۱).

سکونتگاه های روستایی همچنین به عنوان جزئی از نظام های جغرافیایی که متشکل از اجزاء مرتبط به هم می باشند، متأثر از موقعیت و جایگاه مکانی-فضایی، نحوه تعامل یا ارتباط (ارتباط درونی و بیرونی) با مراکز شهری، خود در گذر زمان همواره دستخوش تحولاتی شده اند به گونه ای که با رشد سریع شهرنشینی بعد از جنگ جهانی دوم و تغییر مرز کانون های شهری و نواحی روستایی، روابط شهر و روستا نیز از نوعی روابط یکسویه و سلطه جو از جانب شهر به سمت پیوندهایی پیچیده که بسیار بیش از پیش، حیات این دو عرصه زیستی را در گرو هم قرار می داد، تغییر پیدا کرد (اکبرپور و نجفی، ۶۵:۱۳۸۹). افزایش این ارتباطات بین شهر و روستا و تاثیرات ناشی از توسعه شهرها بر روی روستاهای مجاور به مرور زمان سبب شکل گیری فضاهایی با کارکردها و ساختارهای دو گانه شهری- روستایی با نوعی منظر و چشم انداز متفاوت می گردد. در این

حالت، ساختارها و عناصر موجود در فضا متناسب با کارکردهای تلفیقی جدید نه کاملاً روستایی و نه مطلق شهری می باشد. زیرا که ایجاد تحول در فضاها و بافت های روستایی بدون توجه به همخوانی کالبدی عناصر ایجاد شده در فضای روستا با سایر عناصر روستایی و توجه نداشتن به محیط و منظر آنها، می تواند مشکلاتی اعم از انواع معضلات زیست محیطی، اجتماعی، فرهنگی و روستایی را پدید آورد (سیاف زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۱). (جدول ۱).

**جدول ۱: فرایندها و تغییرات در روستاهای پیراشهری (ماخذ: دانشپور، ۱۳۸۵: ۹).**

مشکلات	فرایندهای تغییر	فشارها
<ul style="list-style-type: none"> <li>فقدان زمین های کشاورزی</li> <li>از دست رفتن زیست مایه ی کشاورزان فقیر</li> <li>کاهش مواد غذایی</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>تغییر در کاربرد زمین: از کاربرد های صنعتی و مسکونی</li> <li>تغییر در کاربردهای واقع بر منابع طبیعی: جنگل زدایی، آلودگی و کمبود آب.</li> <li>تغییر در کاربردهای واقع بر منابع طبیعی: افزایش پسماندهای مایع و جامد</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>محلی: رقابت در مورد زمین برای گسترش شهری</li> <li>منطقه ای و ملی: ترویج صنعتی شدم و تمرکز زدا، خصوصی سازی منابع طبیعی</li> <li>بین المللی: افت قیمت محصولات کشاورزی</li> </ul>

## ۲-۱- منظر و چشم انداز

در معانی چشم انداز ۱ و منظر دو وجه مهم را می توان برداشت کرد: نخست اشاره به مکانی خاص و از سوی دیگر بیانی از یک فرهنگ. با توجه به این دو مفهوم منظر را می توان این گونه معنا کرد که انسانها از چه دیدگاهی به محیطی خاص نظر کرده، آن را درک کرده و با توجه به ویژگیهای فرهنگی خود آن را از حالت کاملاً بکر به صورت فضای انسان ساخت در آورده اند. امروزه واژه چشم انداز و منظر مفهوم جامعی پیدا کرده که برخی از صاحب نظران همچون نوه و لیبرمن (۱۹۹۰)، تامسون (۲۰۰۰) و ترول (۱۹۷۱) از آن استفاده کرده اند و آن را تعریف فراگیری از محیط طبیعی و خصوصیات فیزیکی زمین و شرایط آن و همچنین محیط انسان ساخت درگیر با مسائل کاربری زمین، کشاورزی، شهرنشینی و جامعه دانسته اند (ادیب، ۱۳۹۱: ۲۰). کنوانسیون اروپایی منظر در معنای واژه منظر به ارزشهای اجتماعی جایگاهی داد که پیشتر از آن برخوردار نبود. این کنوانسیون معتقد است که منظر توسط جوامع درک می شود. لذا الزامی است که این جوامع به جریان های تصمیم ساز مرتبط باشند تا در ساخت آینده خود و محیط خود مشارکت کنند (ماهان و منصوری، ۱۳۹۶: ۲۳).

منظر، بخشی از محیط است که می توان در یک مکان خاص به آن توجه کرد و با بسترش در محیط ارتباط داد. منظر از ریشه «نظر» است. منظر شهری یا روستایی، هنر یکپارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان ها، خیابان ها و مکان هایی است که محیط روستا را می سازد. منظر کلیه اطلاعات موجود از فضا است که توسط حواس قابل دریافت بوده و در فرآیند ادراک پردازش می گردد. از ویژگی های اصلی مفهوم منظر، آن است که به عنوان یک پدیده «عینی-ذهنی»، «انسانی-کالبدی» و «یک ساختار اجتماعی-فضایی» مطرح می گردد. همچنین گونه های اصلی منظر شامل: منظر گسترده، چشم انداز درونی، مناظر سیمای روستایی، کریدورهای بصری نیز می باشد (داری پور و ملکی، ۱۳۹۴: ۳۰).

منظر مفهومی فضایی است ولی ویژگی های فیزیکی فضا فقط یکی از ابعاد آن است. مفهوم فضا در منظر و در معماری منظر به ندرت مورد بررسی جامع قرار گرفته و نیز حیطه های ابهام در مورد تمایز مفهوم منظر از مفاهیمی چون محیط و باغ در بحث های نظری وجود دارد. مفهوم منظر با محیط تفاوت دارد. منظر بیان هویت مکانها در روستاها، شهرها و مکانهای طبیعی است. فضای منظر زمانمند است و از طریق حرکت، تغییر، رشد و تعامل با آن درک می شود. فرآیندهای طبیعی در

<sup>1</sup> - Landscape

فضای منظر همواره در حال ایجاد تغییر و تحول منظر هستند. این جنبه از فضایی بودن فضای منظر وجه تمایز آن با مصنوعات فضایی همچون ساختمان‌ها و آثار معماری است منظر تحت تاثیر دوگانه اندیشی‌های گوناگون چون فرهنگ و طبیعت، علم و هنر قرار داشته است (سید کلال و پوردیپیمی، ۱۳۹۳: ۱۷).

منظر در تعاریف همواره وابسته به دو عنصر اصلی بوده است که با حذف هر یک فهم منظر دچار مشکل می‌شود؛ اول محیطی است که انسان را در بر می‌گیرد و دوم انسانی است که در صدد درک و ارتباط با محیط بدان ورود می‌کند و در طول زمان در ذهن خود تصویرسازی می‌کند. از این رو دانستن این نکته ضروری است که منظر موجودی است زنده و پویا که از یک سو متأثر از انسان و نحوه ارتباط او با محیط است و از سوی دیگر تداعی خاطراتی است که در زمان‌های طولانی در بستر محیط روی داده و بر ارتباط انسان و منظر تأثیر گذاشته و به دنبال آن، فرهنگ و تمدن آدمیان را تغییر داده است. منظر را از یک سو نمی‌توان تنها در کالبد خلاصه کرد، چون منظر کیفیت و معنا را هم در بر دارد و از سوی دیگر نمی‌توان مفهومی تجربیدی و انتزاعی دانست، چون آن را از طریق کالبد و حواس می‌فهمیم. لذا در برداشتی متعالی منظر پدیده‌ای است که به واسطه ادراک ما از محیط و تفسیر ذهن، توأمان حاصل می‌شود؛ در واقع منظر، پدیده‌ای است عینی-ذهنی که گاه به جهت تسهیل بررسی و مطالعه آن و به انتزاع به ابعاد عینی و ذهنی تفکیک می‌شود (ماهان و منصوری، ۱۳۹۶: ۲۶).

## ۲-۲- منظر و چشم‌انداز روستایی و عوامل موثر بر آن

تغییرات در مناظر روستایی به طور مستقیم با معیشت و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم محلی و در نهایت حفظ طبیعت، مرتبط هستند (Prasad Pun, 2004: 5). بیشتر سکونتگاه‌ها و جامعه انسانی آنها از جمله سکونتگاه‌های روستایی، با توجه به خصوصیت‌ها و کلیه عوامل درونی و برونی خود نظیر مکان طبیعی، فضای جغرافیایی، باورهای مردم و ارزش‌های بومی که در تعامل با هم هستند، در کنار بعضی ویژگی‌های مشترک، جلوه‌های منحصر به فرد و منظر خاص خود را دارند. در این مورد اشاره شد که منظر روستایی نیز دربردارنده و معرف مجموعه عوامل طبیعی و انسان ساخت و جلوه فعالیت‌هایی است که در گروه و یکپارچه‌اند. همچنین از آن‌جا که هر روستا، برای زندگی انسان و به عنوان بستر فعالیت‌ها و معیشت او شکل گرفته است، به جز در موارد خاص، عامل انسانی نقش مهمی در کالبد، ساختار فیزیکی و جلوه‌های محیطی و فرهنگی ایفا می‌کند. در مقیاس ایران نیز اینگونه است، برای مثال و در یک نگاه کلی اغلب روستاها در مناطق مختلف اجزای یکسان دارند و ساده‌ترین تمایز هر روستا در کالبد، شکل و مصالح ساخت آن‌هاست (آتشین‌بار، ۱۳۸۸: ۳۲). از دیدگاه معماری، معماری منظر و جغرافیا، بسیاری از متخصصان، نقش تعیین‌کننده مکان‌های طبیعی خاص و شرایط اقلیمی را در شکل‌گیری ویژگی‌های معماری بومی مناطق روستایی و نیز مکان‌سازی، طراحی کالبدی بومی و توسعه بافت سکونتگاه‌ها پذیرفته‌اند. برخی متخصصان به نقش تعیین‌کننده مواد اولیه‌ای که در محیط یافت می‌شوند، گروهی به نظام اجتماعی و نیاز مبرم به تأمین امنیت کل جامعه روستا در مقابل بیگانگان و نیز عده‌ای از متخصصان نوع معیشت و اقتصاد را عامل اصلی و اساسی در شکل کلی سکونتگاه روستایی می‌دانند. همچنین بعضی متخصصان معتقدند که منظر عمومی و چشم‌انداز، نقش تعیین‌کننده‌ای بر شکل کلی سکونتگاه‌های روستایی و معماری آن دارد. در جوامع روستایی و بومی، اهمیت این موارد از طریق وابستگی افراد این جامعه به زمین شده است. وابستگی خاصی که آینده‌نگری‌های دقیقی را موجب شده و در پرتو این آینده‌نگری‌ها زمین مسکونی از زمین زراعی و تولیدی متمایز گشته و خانه‌ها روی زمین مخصوصی استقرار یافته‌اند که ناظر بر تمام چشم‌انداز طبیعت باشد. اصل این آینده‌نگری‌ها، ثبات چشم‌انداز و سیمای عمومی روستا است. در مقابل کلیه عناصر و عوامل مادی، عامل فرهنگ وجود دارد. روابط و فعالیت‌های اجتماعی بر کالبد روستا نقش می‌بندد و آن را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۹۳: ۳۰).

در مقیاس ایران و از جنبه پایداری آبادی‌ها و سکونتگاه‌های روستایی، معلوم شده که مکان روستا، بستر فعالیت‌های انسانی، روش‌های ساخت و ساز و چگونگی توسعه بافت نیز با توجه به الگوهای طبیعی و ساختار منظر در انس و الفت بلند مدت با محیط و به‌صورت یکپارچه و درهم تنیده‌اند. چنین یکپارچگی و مجموعه عوامل مؤثر آن نیز در تعامل با باورها و سنت‌های

جامعه انسانی روستاست. به قولی چنین ویژگیهای منحصر به فردی از ساخت مکان، چگونگی پایداری و ساخت منظر، خود از جمله معیارهای گزینش این نوع روستاها و آثار آنها برای تک نگاریها و ثبت در میراث فرهنگی است. در مقیاس بزرگ تر نیز سایمون بل تأکید می کند که "مردم با سکونت در یک ناحیه، ایجاد کشتزارها، جاده ها، طرح روستاها و شهرکهایی که می ساختند، به گونه ای ناخودآگاه منظر را برای تطابق با اهدافشان تغییر می دادند"، هرچند این امکان نیز وجود داشت از اینکه در حال خلق الگو هستند، کاملاً آگاه نباشند (آتشین بار، ۱۳۸۸: ۲۱).

اما مساله این است که به مرور زمان و با تغییر هر یکی از این ضرورتها، ساختار کالبدی روستاها و به تبع آن منظر و چشم انداز آنها شروع به تغییر کرده است. این عوامل و الزامات موثر بر تغییر منظر و چشم انداز در هر مکان و فضایی متناسب با مقتضایات فضایی محیط متفاوت از سایر مکانها است، اما همواره مجموعه عوامل با شدت و ضعفهای مختلف بر این مهم تاثیرگذار بوده اند که مطالعه حاضر به دنبال یافتن این عوامل در روستاهای حاشیه کلانشهرها و ارائه الگویی برای این منظور می باشد. جدول زیر برخی از مهمترین عوامل و محرکه های تغییر منظر و چشم اندازهای جغرافیایی را نشان می دهد (جدول ۲).

جدول ۲: نیروهای محرکه تحولات منظر

نیروهای محرکه تحولات منظر					
تغییرات اجتماعی فرهنگی	تغییرات اقتصادی	تغییرات تکنولوژیکی	تغییرات محیطی و اقلیمی	تغییرات جمعیتی	تغییر شیوه معیشت و کاربری

ماخذ: کوبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴

### ۳- روش شناسی تحقیق

مطالعه حاضر را به لحاظ روش شناسی می توان در زمره مطالعات نظری (تئوریک) قلمداد نمود که بر پایه بررسی ادبیات نظری موضوعی در رابطه با منظر و چشم انداز روستاها و تغییرات آن در گذر زمان، به شناسایی مهمترین علل این تغییرات و تاثیر مجاورت با کلانشهرها به عنوان یک موقعیت فضایی خاص، صورت گرفته است و در نهایت به ارائه الگوی نظری و مفهومی برای این مساله اقدام شده است. بر این اساس می توان این مطالعه را از نوع تحقیق بنیادی - نظری دانست که با مرور بر مطالعات پیشین و مرتبط انجام شده است.

### ۴- بحث و ارائه الگوی نظری

محیط کالبدی و تاثیرات آن در زندگی روزمره مردم از جمله مسائلی است که در سالهای اخیر از طرف متخصصان بسیاری مورد تحلیل قرار گرفته است. تغییر فعالیت ها و رفتارهای فردی و اجتماعی، توسعه اجتماعی و فرهنگی، پیشرفت های تکنولوژیکی و فناوری موجب تغییر ساختار محیط و منظر (به ویژه در محیط طبیعی) و جوامع زیستی (شهری و روستایی) شده اند و به تدریج نیازهای نوینی از جمله ارتقای کیفیت، سلامت، پایداری و توسعه محیط های طبیعی در فضاها را مطرح کرده اند (تقوایی، ۱۳۹۱: ۹۴). روستاهای حاشیه کلانشهرها به عنوان محیطی در مظن تهاجم عوامل بسیاری قرار دارند که این هویت و منظر را شکل می دهد.

مطالعه حاضر به دنبال بررسی مولفه های تاثیرگذار بر چشم انداز و منظر روستایی می باشد و لذا در ابتدا باید به تعریف شاخصی واحد از منظر دست یافت. بر اساس تعاریف ارائه شده در بخش مبانی نظری تحقیق، منظر و چشم انداز را نمی توان صرف دارای ابعاد فیزیکی و ساختار تلقی نمود بلکه، این ساختار تنها در صورت دارا بودن کارکرد و هویت معنا می یابد. در کنار این هویت و کارکرد، ویژگیهایی انطباقی و محیط محورانه این اجزا را نباید نادیده گرفت. بر این اساس، متغیر منظر و چشم

انداز کالبدی در این مطالعه به ترکیبی از ۴ مولفه اصلی اطلاق شده است: کارکرد چشم انداز یا منظر کالبدی، هویت چشم انداز کالبدی، اجزاء و عناصر چشم انداز کالبدی، و ویژگی های چشم انداز کالبدی.

#### • کارکرد چشم انداز کالبدی

کارکرد را می توان به نوعی نحوه اثربخشی یک کالبد یا ساختار نیز عنوان نمود که با تغییرات روزافزون منظر و چشم انداز کالبدی روستاها، کارکرد آنها نیز دچار تغییرات قابل توجه شده است. در اینجا می توان از رویکرد تحلیل کارکردی برای تدقیق این ارتباط بهره گرفت. این رویکرد به چگونگی ارتباط بین عناصر مختلف فرهنگی چشم انداز می پردازد. جونز در مطالعه خود از سه مدل مفهومی برای توصیف عملکرد چشم انداز فرهنگی استفاده کرده است که شامل: استفاده از منابع چرخه کاری سالانه (کشاورزی)، ارائه طرح کلی روابط اجتماعی و اقتصادی که فعالیت مردم محلی (شامل استفاده از منابع چرخه کاری سالانه کشاورزی) را در بر میگیرد. مطالعه شیوه های تغییر چشم انداز می تواند به شناسایی رابطه بین متغیر انسان و اجزای مختلف چشم انداز فرهنگی و نیز تغییر الگوی بهره برداری از منابع کمک کند. همچنین روشی را آشکار می کند که در آن افراد معنا و ارزش را در عناصر مختلف چشم انداز به آن الصاق کنند (Prasad Pun, 2004: 30-29).

#### • هویت چشم انداز کالبدی

عناصر دوم سازنده چشم انداز یا منظر، هویت است. کوین لینچ هویت یک مکان را در تمایز آن مکان با مکان های دیگر تعریف می کند و آن را پایه ای برای شناخته شدن مکان مورد نظر به عنوان موجودیتی منحصر به فرد می داند (داری پور و ملکی، ۱۳۹۴: ۳۰-۳۱). هویت مکان و وابستگی به مکان هر یک ویژگی های روانی متفاوتی دارند (شیبانی و پورسلیمان امیری، ۱۳۹۶: ۵۱) از آنجا که حضور نداشتن مردم در فضاهای جمعی از علل مهم کاهش حیات اجتماعی و احساس تعلق ساکنان است، به نظر می رسد کاهش حضور ساکنان در این فضاها ناشی از نبود محیط مناسب و فقدان کیفیت منظر است. افزایش کیفیت فضاها و طراحی مناسب منظر شاید بتواند زمینه حضور ساکنان را در سطح روستا فراهم سازد (سیاف زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۰). رابطه ی میان هویت و منظر اینگونه تعریف می شود که، هویت پدیده ایست حداقل با دو بعد اصلی؛ بعد اول حقیقتی است که دیده نمی شود و بعد دوم سیما و کالبد که در برابر دیدگان قرار دارد. هویت در مکان (روستا) از طریق تجربه زندگی و تعامل انسان با مکان (روستا) بوجود می آید. منظر بیان می دارد که به سبب فعالیت های انسانی در کالبد محیط، معنایی پدید می یابد، که محصول تعامل انسان با محیط است. از این رو این فعالیت ها خاطراتی را در ذهن بوجود می آورند که ممکن است فردی باشد یا جمعی. هویت هر مکان از سه عامل در هم تنیده تشکیل می شود: عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن (۲) فعالیت های مشاهده پذیر و کارکردها (۳) مفاهیم یا نمادها (شکوئی، ۱۳۸۹: ۲۷۵).

#### • اجزاء و عناصر چشم انداز کالبدی

منظر یک روستا مجموعه ای از عوامل طبیعی و مصنوع است که تحت تاثیر ویژگی های خاص طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن فضا شکل گرفته و محل به عینیت درآمدن مشخصات خاص آن فضا است. منظر (روستا) به عنوان مقوله ای مطرح در کیفیت و مطلوبیت آن واقعی و عینی بوده و حاصل مشاهده و درک مظاهر گوناگون و ملموس فضا (روستا) اعم از بناها، فضاها، فعالیت ها، صداها، بوها هنگام مواجهه افراد با آن فضا (در مقیاس های مختلف، اعم از دیدن فضا (روستا) از دور دست، یا هنگام قرار گرفتن در فضا (روستا و یا حتی استقرار در بناها) است (محملی ابیانه، ۱۳۹۰: ۹۶). اجزاء و عناصر چشم انداز کالبدی شامل نوع و الگوی مسکن (خانه های دوم)، معابر و راههای ارتباطی، عناصر محیطی و خدماتی، عناصر زیرساختی، اراضی کشاورزی، مبلمان روستا، تراکم و تجانس، نور، استفاده از عناصر طبیعی و رنگ و... را می توان نام برد. در تقسیم بندی دیگر اجزاء و عناصر تشکیل دهنده کالبد و فرم فضاها (شهری و روستایی) شامل کف، بدنه، سقف و عناصر (اجزاء) مستقر در فضا می باشند (معروفی و انصاری، ۱۳۹۰: ۴۱).

#### • ویژگیهای چشم انداز کالبدی

مناظر روستایی شامل ویژگی های فیزیکی، زمین خود مولد، موفولوژی، آب، زیرساختار، پوشش گیاهی، معماری بومی، حمل و نقل، ساختمان های مسکونی روستایی، همچنین ویژگی های فیزیکی، محیطی و فرهنگی، به میراث ملموس و



نامحسوس مناطق روستایی اشاره می کند. چشم انداز روستایی همچنین شامل: دانش فرهنگی، سنت ها، تجربیات، ارتباطات جوامع انسانی محلی، تعلقات آنها و ارزشهای فرهنگی و معانی منسوب به مناظر گذشته است. همچنین مناطق روستایی به عنوان میراث عبارت است از درک ساختارهای اجتماعی و سازمان های فعال، استفاده و تبدیل آنها در گذشته و حال. مناظر روستایی شامل میراث فرهنگی، معنوی و طبیعی است که در تداوم تنوع زیستی نقش دارند. مناطق روستایی را به عنوان میراث برجسته سنتی و هم عادی (معمولی) با فعالیت های مدرن سازی اخیر تغییر داد. میراث می تواند در انواع و درجات مختلف و مرتبط با دوره های مختلف تاریخی به عنوان یک چند نگاره وجود داشته باشد (مجمع عمومی ایکوموس ۱۹ th Icomos General Assembly, ۲۰۱۷: ۲). این میراث ویژگی های چشم انداز کالبدی روستا را در معرض دید بیننده قرار می دهد.

از سویی همچنان که پیشتر در مبانی نظری مورد بحث قرار گرفت، نیروهای بسیاری می تواند بر تغییر این منظر و مولفه های چهارگانه آن تاثیرگذار باشد که در اینجا این عوامل در یک قالب کلی به دو بعد نیروهای درونی و بیرونی تقسیم بندی شد و در هر بخش مجموعه مولفه هایی مطرح و تبیین گردید. عوامل تاثیرگذار بر منظر و چشم انداز کالبدی این نواحی به شرح زیر قابل دسته بندی است:

- عوامل درونی موثر بر تغییرات روستاهای حاشیه شهر
- عوامل بیرونی (شهری و غیر شهری) موثر بر تغییرات روستاهای حاشیه شهر

#### ▪ عوامل درونی

برخی از عواملی که به مرور زمان تحول و تکامل آنها زمینه ساز ایجاد تحولات کالبدی و غیر کالبدی روستا می شود، برآمده از درون روستا و تکامل فردی یا جمعی ساکنین آن و یا نتیجه شکل گیری نیازهای جدید می باشد. این عوامل را می توان شامل رفع برخی محدودیتهای طبیعی یا ایجاد محدودیتهای جدید طبیعی به مرور زمان، سیاست های برنامه ریزان، چگونگی بهره برداری از زمین، منابع محلی، مهاجرت، دانش و ادراک روستاییان و تکامل آن، ساختار اجتماعی، دسترسی به منابع تولید، فرصت شغلی برای بانوان، استفاده از نیروی کار غیر بومی، میزان رضایت شغلی، روی آوردن به مشاغل کاذب، موقعیت کارکردی، الگوهای بهره برداری از فضا، سازگاری و انطباق مطلوب با محیط، انسجام، حس تعلق، تعاملات اجتماعی و ... می باشد. از این رو امروزه آگاهی از ساختار فضایی و شکل فضا (روستا) می تواند یکی از عوامل مهم تاثیرگذار در میزان موفقیت برنامه ریزان و دست اندکاران باشد و به بهبود محیط های روستایی و منظر آنها کمک شایانی کند (منتظری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸). در حالت کلی می توان این عوامل درونی را به چند بعد محیطی اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی دسته بندی کرد:

#### ۱- بعد محیطی - اکولوژیک

در این بعد می توان کلیه عوامل درونگرایانه محیط محور یا اکولوژیک که به نوعی سبب احساس نیاز به تغییر ساختارهای کالبدی یا تغییر ناخودآگاهانه آنها در روستا می شود را گنجانند. این عوامل شامل موارد زیر است:

**الف- تغییر موقعیت کارکردی روستا:** موقعیت کارکردی سکونتگاه های روستایی بر روابط درونی و بیرونی روستا مبتنی است. به این ترتیب، موقعیت کارکردی بر اساس شکل و دامنه روابط و نحوه برآوردن نیازهای ساکنان یک سکونتگاه مشخص می شود. در این نوع تغییر به نوعی شرایط روستا و نقشهایی که روستا در عرصه محلی ناحیه ای و ملی ایفا می کند به نوعی تغییر می یابد و به تبع نقشهای جدید، عناصر کارکردی جدیدی در روستا ظهور می یابد و ساختار و شکل عناصر پیشین متفاوت می شود که سبب تغییر چشم انداز و منظر روستا می گردد (سعیدی، ۱۳۸۹: ۴۷).

**ب- تغییر الگوهای بهره برداری از فضا:** نظام بهره برداری به واحدهایی گفته می شود که در آنها با چارچوب مدیریت ویژه و برنامه های معینی، فعالیت های کشاورزی صورت می پذیرد. هر نوع نظام بهره برداری دارای سازمان، مدیریت، فضا، اطلاعات، فناوری، سطح توسعه، اعضا یا کارکنان یا عملکرد خاصی است که آن را از دیگر نظام بهره برداری متمایز می سازد

(نکوئی نائینی، ۱۳۹۵:۲). هر یک از نظام های بهره برداری با ویژگی های خود می تواند با یکپارچه سازی اراضی یا قطعه قطعه شدن آن، بهینه شدن تولید، ایجاد اشتغال و کاهش فقر و ممانعت از مهاجرت روستاییان به شهر و در نهایت کشاورزی پایدار (علیزاده و حاتمی نژاد، ۱۳۹۴:۸۶) چشم انداز متفاوتی از مناظر روستایی را به نمایش بگذارد. در روستا همواره بر اساس تاثیرگذاری ضرورت های محیطی، کمبود منابع آب و زمین، ضرورت های تدافعی، یا ارزشهای اجتماعی مختلف، نظامهای متفاوتی از بهره برداری از فضا حاکم بوده است. به مرور زمان تغییر این ضرورتها سبب تغییر نظام های بهره برداری و به ناچار کالبد و ساختار فضا و در نهایت چشم انداز و منظر اراضی کشاورزی و مسکونی و نظایر آن شده است.

### ج- تغییر ضرورت های زیست محیطی

بافت روستا از نظر فرم، رنگ و بافت دارای این ویژگی است که در دل طبیعت جای گرفته است و گوئی جزئی از طبیعت محسوب می شود. از نظر بصری نیز با رویکرد مبتنی بر «مطلق گرایی طبیعی» مطابقت دارد (تحلیل ابژکتیو) (اکرمی و دامیار، ۱۳۹۵:۳۸). اما به مرور زمان تاثیرات زیست محیطی بر منظر و چشم انداز کالبدی روستاها رنگ دیگری به خود می گیرد. تغییر میزان انطباق و هماهنگی تغییرات کالبدی با محیط زیست و تاثیر چالشهایی نظیر کم آبی و خشکسالی و یا گرمایش و تغییر جریان بادها و ... کاربرد فناوری در مهندسی محیط زیست و معماری منظر، مانند فناوری تصفیه هوای و غیرهوازی آب های آلوده، بویژه فرایندهای پالایش آلاینده ها در اکوسیستم های طبیعی و نیز سیستم های بازیافت منابع طبیعی با تکیه بر روش های بوم شناسانه (تقوایی، ۱۳۹۱:۱۴۴)، کاربرد منابع جدید انرژی نظیر خورشیدی (موسوی شفائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۱)، استفاده از روش ها و فناوری های جدید از جمله تولید بیوگاز برای تامین انرژی مورد نیاز روستاها (گرچی مهبلانی و همکاران، ۱۳۹۴:۱۵)، تغییر و تحول بسیاری در چشم انداز سکونتگاه های روستایی به همراه داشته است به گونه ای که سبب حذف برخی اجزای قدیمی نظیر محل جمع آوری سوخت و یا تغییر معماری برای گرمایش و سرمایش و نظایر آن شده است.

### ۲- بعد اجتماعی - فرهنگی

بسیاری از تغییرات و چشم انداز و منظر روستایی را می توان ناشی از تغییر ارزشهای فرهنگی و اجتماعی زندگی روستایی نسبت به نسلهای گذشته یاد کرد که ریشه درونی دارند. برخی از این تغییرات عبارتند از:

#### الف- تغییر میزان گرایشهای مذهبی

عنصر مهم دین و باورهای مذهبی یکی از عناصر اصلی در شکل گیری فضاها است. وجه مادی این عنصر، در شکل بناها و معماری مساجد و آرامگاه ها و مدارس مذهبی نمود می یابد. پیدایش و تکامل فرقه های مختلف در تاریخ ایران موجب شده است تا این مهم، نقش موثری در شکل گیری و توسعه ی بافت فضاها (تقوی و همکاران، ۱۳۹۳:۷۱) و ایجاد مناظر مختلف ایفا کند. یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار در گسترش کالبدی و شکل مسکن و حریم های زیستی در روستاها را می توان، به اعتقادات مذهبی مرتبط دانست که بدین شکل تغییر آن به مرور زمان می تواند بر شکل منظر و چشم انداز فضاها تاثیرگذار باشد.

#### ب- میزان انسجام اجتماعی

انسجام موقعیتی است که در آن افراد جامعه با تعهدات مشترک اجتماعی و فرهنگی به یکدیگر پیوند می خورند (میتچل، ۱۹۸۹:۱۸۰) به نقل از فرهنگد و همکاران، ۱۳۹۳:۹۶). از نگاه دورکیم انسجام اجتماعی در جوامع ارگانیک، به روابط متقابل واحدهای اجتماعی که بوسیله ی «قرارداد» تنظیم می شود و تنظیم رفتارهای درون واحدهای اجتماعی از طریق هنجارهای مادی بستگی دارد (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳:۹۴). در روستاها همواره از گذشته به سبب چنین پیوندهای اجتماعی، فضاها و ساختارهایی مشارکتی و مشترک بسیار شکل گرفته اند. اما به مرور زمان، گرایش به فردیت، کاهش مشارکت و تغییر اشکال خانواده از گسترده به کوچک و مستقل سبب تغییر این ساختارها و ظهور آن در چشم انداز و منظر معابر، بازارها، اراضی کشاورزی و مسکن شده است.

#### ج- رفاه طلبی و تجملات

یکی از مصداق های رفاه طلبی، مصرف گرایی می باشد. انسان برای رفع نیازهای اولیه خود نیازمند مصرف کالاها و خدمات است. اما امروزه مصرف و نیاز از هم فاصله گرفته و شکافی بین آنها بوجود آمده است به گونه ای که دیگر مصرف انسانی با نیازهایش مطابقت ندارد بلکه چیزی بیش از آن است (Bockoc, 1993:2). مصرف گرایی با نمادها و علائم خاص خود امروزه نمایانگر سبک زندگی، تمایلات، تفکرات و ایده آل ها و به مثابه بازنمایی کننده هویت عاملان آن، کارکردهای جدیدی یافته است (حاجی زاده میمندی و یوسفی، ۱۳۹۲:۲۳۴). انسان روستایی نیز نظیر شهری، فضای زیستی خود را مطابق با کالاهای مصرفی خود تغییر و تطبیق داده است. استفاده از اتومبیل نمونه ای از این تغییر بزرگ است که کالبد و منظر مساکن را به چالش کشیده است.

### ۳- بعد اقتصادی

اما شاید بتوان یکی از مهمترین علل در تغییر چشم انداز و منظر را ناشی از بعد اقتصاد و ابزار آن دانست. عللی نظیر:

#### الف- تغییر منابع تولیدی

#### ب- تغییر انواع فعالیتها و اشتغال

#### ج- تغییر ارزش زمین در روستاها

از جمله مهمترین علل تغییر چشم انداز کالبدی روستا هستند. در گذشته منابع اقتصادی روستاهای ایران عمدتاً شامل کشاورزی، زراعت، باغداری، دامداری، شکار و صید (صنایع؛ دستی، خانگی و کارگاهی) بوده است. عمده ترین منابع و عوامل تولید بخش کشاورزی نیز شامل زمین، آب، نیروی انسانی، سرمایه و فناوری بوده است (یاسوری، ۱۳۸۶: ۹۹ و ۱۲۵). به مرور زمان تغییر اولویت های اشتغال در فضاهای روستایی به نفع فعالیتهای خدماتی و از طرفی سیاست های کلان دولت در این بعد سبب تغییر چشم انداز اقتصادی و منظر روستا به تبع آن شده است. در مقاله ای تحت عنوان سیاست فدرال آمریکا بر تغییر چشم انداز روستایی، تاثیر سیاست های فدرال را بر سه نوع تغییر چشم انداز روستاها مورد بحث قرار داده که نتیجه ی این سیاست ها شامل؛ تغییر در پتانسیل تولیدات کشاورزی، خسارت به شهرها و تبدیل زمین های کشاورزی به مصارف دیگر می باشد. سیاست های فدرال از جمله توافقات تجاری بین المللی، مالیات و تجارت، حمل و نقل، مسکن، انرژی و محیط زیست تاثیر سیاست را بر کشاورزی و مناظر روستایی مشخص می کند (Nassauer, 2012:185). تغییر از اقتصاد مبتنی بر تولید به اقتصاد مبتنی بر مصرف، نه تنها در سطح نواحی روستایی، بلکه در فعالیت های تجاری موسسات خصوصی نیز اتفاق افتاده است. بسیاری از مزارع به منظور تنوع بخشی به منابع درآمدی خود غیر از کشاورزی، در بخش گردشگری نیز فعالیت دارند. اغلب، این فعالیت ها شامل فراهم کردن اتاق در مزرعه، از جمله اتاق های خواب و صبحانه، خانه های مجهز به وسایل آشپزی و مکانهای برای چادر زدن هستند. ایجاد فروشگاه در مزرعه، راه های فرعی طبیعی، امکانات اسب سواری و دریاچه های ماهیگیری نیز استفاده شده اند. به هر حال، برخی مزارع به طور کامل به «پارک های مزرعه» تغییر یافته اند تا چشم انداز و فعالیت های یک مزرعه واقعی را با چشم انداز و فعالیت های تصاویر زندگی روستایی در رابطه با مزارع معرفی کنند (رضوانی و فرهادی، ۱۳۹۰:۲۹۳).

بسیاری از این فعالیتها به کاهش ارزش افزوده بخش کشاورزی و تمایل به تغییر کاربری و در نتیجه افزایش ارزش زمین در برخی از روستاهای با موقعیت مطلوب فضایی منجر شده است. پذیرش جمعیت شهری توسط روستاها، در بیشتر روستاهای پیرامونی کلانشهر واقع در کشورهای در حال توسعه صورت می پذیرد، این افزایش جمعیت باعث افزایش تقاضا برای زمین و مسکن و در نتیجه تبدیل زمین های کشاورزی به کاربری های مسکونی- خدماتی و موارد دیگر می شود. در نتیجه چنین شرایطی روستاییان زمین دار در جهت کسب درآمدهای بیشتر و بدون کار، تشویق و سوق داده می شوند (رانت) و در تلاش مضاعف، اراضی کشاورزی و باغی خود را با حساسیت بیشتر از کار و فرایند اقتصاد کشاورزی خارج می کنند. به تدریج با فروش بخش هایی از زمین و یا واگذاری آنها به صورت خام به بورس بازان زمین، در نحوه کاربری اراضی از کشاورزی به مسکونی،

تجاری و صنعتی برای ساخت و سازهای قانونی و غیر قانونی به متقاضیان جدید، تغییرات صورت می گیرد (اصغری لقمجانی و همکاران، ۱۳۹۵:۱۷۸).

#### ■ عوامل بیرونی موثر بر تغییر منظر روستاها

در کنار عوامل درونی، تاثیر بسیاری از مولفه های بیرونی بر تغییر کالبد و منظر و چشم انداز ناشی از آن را نباید نادیده گرفت. این عوامل خود به دو بعد قابل دسته بندی هستند:

**الف- تاثیر پذیری از شهرهای مجاور** که می تواند ناشی از توسعه گردشگری (خانه دوم)، مهاجرت از شهر به روستا و بلعکس و یا توسعه و خزش شهری به سوی روستاها اتفاق افتد و در هر سه صورت می تواند سبب تغییر ساختارهای کالبدی ناشی از شکل گیری نیازهای جدید و تغییر چشم انداز و منظر شود.

گردشگری کاتالیزوری کارآمد برای بازسازی و توسعه در نواحی روستایی است. در سالهای اخیر در سراسر دنیا برای رفع چالش های اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی حاشیه ای یا روستاهایی که با کاهش فعالیت های کشاورزی سنتی روبرو هستند، به گردشگری توجه شده است. از اجزای مهم این صنعت، گردشگری روستایی است که امروزه یکی از اشکال مردمی گردشگری در جهان و ابزاری برای بهبود رشد اقتصادی روستاها به شمار می رود. که در دهه های اخیر با توجه به گسترش پدیده خانه های دوم به صورت خودجوش، تغییراتی در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی و کالبدی - فیزیکی روستاها بوجود آمده و بر یکی از مولفه های کلیدی توسعه پایدار گردشگری، یعنی کالبدی- فیزیکی تاثیر گذاشته است (دادورخانی و همکاران، ۱۳۹۲:۲۷۸). مالر و همکاران (۲۰۰۴) معتقدند که چشم اندازهای متفاوت خانه های دوم، بستگی به موقعیت محلی دارد. در برخی موارد این اثرات سودمند است. به طور نمونه ممکن است مسکن قدیمی روستا بازسازی شده و یا تبدیل به مسکن جدید شوند و زمینه زیبا سازی روستاها را فراهم کند، برخی موارد نیز آسیب زنده می باشد.

در کنار گردشگری، جمعیت جوئی کار روستایی با گرایش به سمت شهرها و مهاجرت به نواحی صنعتی و خدماتی باعث افزایش سرعت روند شهرنشینی شده اند (محمدی یگانه و سنایی مقدم، ۱۳۹۶:۱۰۴). جمعیت بسیاری از جوانان وارد چرخه کار در شهرها می شوند و در حالی که گرایشهای فرهنگی شهری و یا اقتصادی (برخی مشاغل قابل انتقال) را آموخته اند به روستاها بازمی گردند و در بسیاری از موارد سعی در تغییر محیط زندگی خود- حداقل در سطح خصوصی- و پیاده کردن ارزشهای شهری در روستاها می نمایند که پیامد آن تغییرات کالبدی به ویژه در بخش مسکن و تغییر منظر و چشم انداز این نواحی است. در بسیاری از روستاهای حاشیه کلانشهرها نیز گسترش شهرگرایی و خزش شهری مستقیمی بر این چشم انداز و تغییر آن تاثیر میگذارد. در دهه های اخیر این پدیده بسیاری از سکونتگاه های روستایی را که در پیرامون و حریم شهرها قرار گرفته اند با چالش مواجه ساخته است (علوی و همکاران، ۱۳۹۵:۶۶). عدم تعادل های فضایی، نوسان شدید در قیمت مسکن، خزش شهری، افزایش هزینه ی زیرساخت ها، به زیر ساخت و ساز رفتن اراضی مرغوب کشاورزی، چند برابر شدن محدوده های شهری، شکل گیری بافت کم تراکم در پیرامون شهرها و توسعه بدون برنامه ریزی از جمله این نیروهاست.

#### ب- نیروهای ملی و فراملی

اما تنها کلانشهرها نیستند که سبب تغییر بافت و کالبد و مناظر و چشم انداز ناشی از آنها در نواحی روستایی حوزه خود می شوند. این عوامل که خارج از کنترل شهرها می باشند، به عنوان عوامل بیرونی یا برونزا نام برده می شوند. این عوامل الزاما از شهر نشات نمی گیرند بلکه یا تحت تاثیر تغییرات جهانی می باشند و یا منشأ آنها محیط کالبدی طبیعی و مصنوع خود روستا (درونی) است، که در یک دسته بندی کلی شامل تغییر سبک زندگی، مدرنیته، سیاست ها و برنامه های کلان ملی، تکنولوژی و مکانیزه شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) روستایی، تلفن، اینترنت، ماهواره و تلویزیون) می باشند.

#### ■ تغییر سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی را شامل می شود. به طور کلی این مفهوم الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش را در بر می گیرد. شاید برخی این بعد را بعدی درونی تلقی نمایند، اما روشن است که جایگزینی ارزشهای قدیمی با ارزشهای جدید در سبک زندگی همواره به واسطه یک اهرم دیگر انجام می شود و شاید بتوان این متغیر را خود به عنوان متغیر واسطه تلقی نمود. در هر صورت به واسطه این تغییر در نتیجه هر اهرمی اعم از مدرنیزاسیون، رسانه و ... مشاهده می شود که نواحی روستایی در سالهای اخیر تغییرات و تحولاتی قابل توجهی در سبک زندگی را تجربه نموده اند. تغییراتی که علاوه بر الگوی مصرف در ساختارهایی چون آداب و رسوم، عقاید، ارزش ها و ایده آل ها، هنجارپذیری و هنجارسازی و به طور کامل سبک زندگی به وجود آمده است (حیدری ساربان، ۱۳۹۵: ۷۰). این تغییر در بسیاری موارد به کالبد و ساختار فیزیکی و در نتیجه چشم انداز و منظر روستایی تجاوز نموده و آن را دستخوش دگرگونی کرده است.

#### ■ مدرنیزاسیون

آثار مدرنیزاسیون را در تمام سطوح و وجوه زندگی جامعه ایران و تمام جوامع غیر غربی که در معرض تحولات مدرنیته بوده اند می توان مشاهده کرد. این تاثیرات و فرایندهای آن را می توان به صورت رسانه ای شدن، دموکراتیک شدن، تخصصی شدن، مردم پسند شدن (عامه پسند)، دیجیتالی شدن، زنانه شدن و ... مشاهده کرد (فاضلی، ۱۳۸۶: ۳۹). مدرنیته شدن واژه ای بود برای غربی شدن و تحمیل راهکارهایی برای برنامه ریزی که بستر فرهنگی و اکولوژیکی را نادیده می گرفت. این فرآیند به طور مداوم میراث منظر مناطق را تضعیف کرد و شیوه های سنتی را ناسازگار با حرکت به سوی نو شدن نشان داد (مخزومی، ۱۳۹۴: ۵۶). تغییر بسیاری از ساختارهای کالبدی فضاهای روستایی را نیز می توان به واسطه توسعه مدرنیزاسیون و کاربرد آن در ساخت و سازها، انرژی، و شیوه های مختلف بهره برداری و ... مشاهده نمود که به تغییر منظر منجر شده است.

#### ■ فناوری اطلاعات و ارتباطات (تلفن، اینترنت، ماهواره و تلویزیون)

فناوری اطلاعات و ارتباطات<sup>۲</sup> یکی از ظرفیت های اصلی به منظور رشد اجتماعی- اقتصادی محسوب می شود. به واسطه گسترش و توسعه این فناوریها می توان در روستاها سطح اشتغال را افزایش داد، سطح عمومی دانش را ارتقا بخشید و با توسعه شاخص های رفاهی، از مهاجرت بی رویه روستاییان به شهرها کاست (رفاهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۱). متون توسعه نشان می دهد فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش مهمی در افزایش قدرت تصمیم گیری روستاییان، تقویت سرمایه ی اجتماعی، کاهش آثار و بلایای طبیعی، توانمندسازی فقرای روستایی، افزایش کیفیت زندگی و توسعه اجتماعی در مناطق روستایی ایفا می کند. همچنین تجربیات جهانی بیانگر آنست که با برنامه ریزی صحیح، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات می تواند دسترسی مردم روستایی به انواع خدمات زیر ساختی، بهداشتی، آموزشی و دولتی، ایجاد فرصت های شغلی و افزایش سطح آگاهی در زمینه فعالیت های تولیدی، کشاورزی و ترویجی، بازاریابی محصولات زراعی و غیر زراعی و ... را بهبود بخشد (حیدری ساربان، ۱۳۹۴: ۸۶) مثلا تکنولوژی های همراه، میلیون ها نفر از مردم را در کشورهای در حال توسعه قادر به دسترسی به اطلاعات بهداشتی و خدمات مراقبت بهداشتی کرده است (صفدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۲). توسعه فناوری ارتباطات تلفنی، برخی از مشکلات مربوط به فاصله را کاهش داد و بسیاری از نواحی روستایی مجاورت را تجربه کردند. از یک طرف، این موضوع موجب شد که مناطق روستایی از برخی صنایع جدید محروم نباشند، از طرف دیگر، امروزه مردم روستایی، همانند ساکنان شهری، از طریق تلویزیون، رادیو و اینترنت، مشتری و مصرف کننده کالاها و محصولات فرهنگی یکسانی هستند و این موضوع از جذابیت سنت ها، رویدادها و فعالیت های فرهنگی روستایی بومی، به رغم تلاش مردم برای احیای دوباره آنها، کاسته است (رضوانی و فرهادی، ۱۳۹۰: ۴۹). اما در کنار پذیرش چنین فناوری هایی، ناچار تغییر کالبدی و چشم انداز و منظر را نیز باید به عنوان اصلی غیرقابل انکار پذیرفت. توسعه فناوریهای اطلاعاتی همواره با جابجایی ارزشها و باورهای اجماعات و انتقال آنها به جوامع دیگر سبب تغییر قابل توجهی در سبک زندگی و شکل گیری عناصر کالبدی با کارکردهای جدید در اجتماعات می شوند که به مرور زمان تغییر چشم انداز را به همراه خواهد داشت.

<sup>2</sup> - information and communication technologies

#### ▪ سیاستها و برنامه های کلان ملی

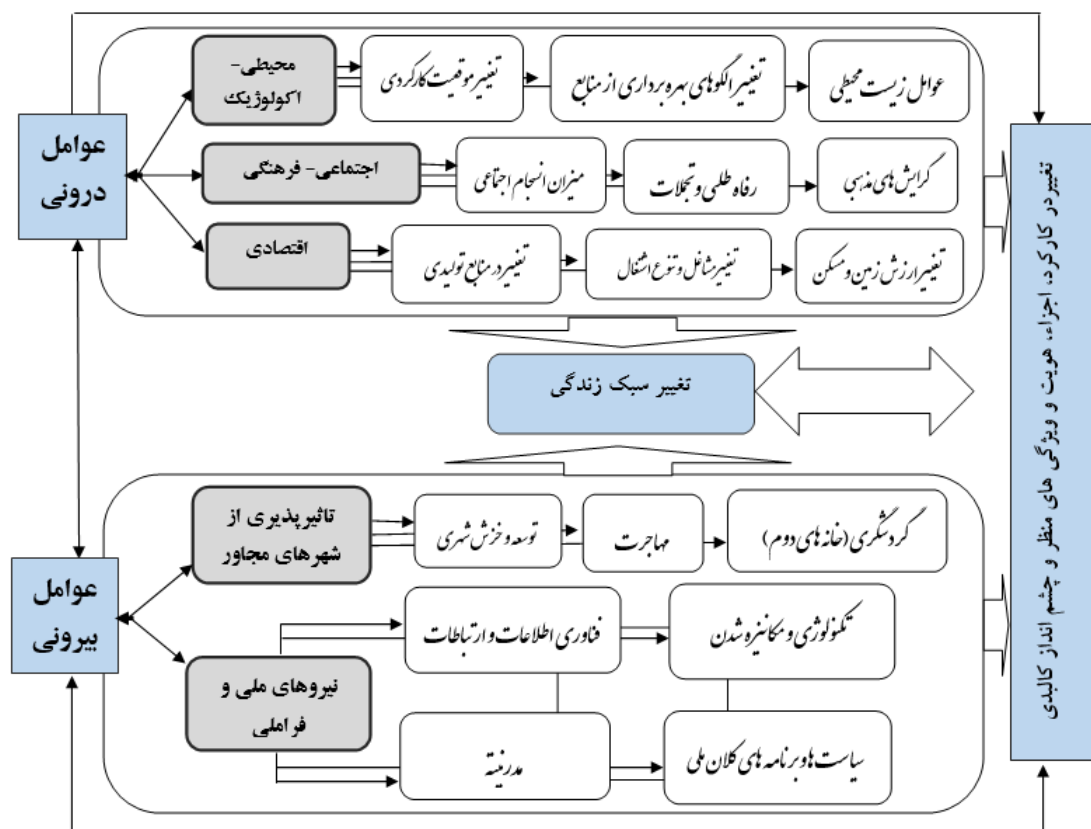
نقش و جایگاه روستاها در فرآیندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه ای، ملی و بین‌المللی مسائل مختلف آن موجب توجه به توسعه روستایی در امر برنامه ریزی و سیاستهای کلان ملی شده است. با توجه به اینکه مهمترین مشکلات روستاها را می‌توان نشأت گرفته از نوع نگرش به روستا و سیاست‌گذاری‌های دولتی و عوامل درونی روستا دانست (یاسوری و جوان، ۲۰۱۳:۹۴)، اصلاح این نگرش می‌تواند بسیار مفید باشد. از سیاست‌های تاثیر گذار در زمینه روستایی می‌توان به، سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی (ارتقاء آبیاری، یکپارچه سازی اراضی و تسهیلات ابزار کشاورزی و ...)، اجرای طرح‌های زیرساخت رسانی (آب، برق، گاز و ...)، اجرای طرح‌های هادی و بهسازی مسکن روستایی، همچنین اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها (بهبود درآمد و کیفیت زندگی) اشاره نمود. در واقع، سیاست‌های حمایت از بخش کشاورزی (ارتقاء آبیاری، یکپارچه سازی اراضی و تسهیلات ابزار کشاورزی و ...)، سبب انعطاف پذیری روستاها در مقابل نوسانات کوتاه مدت اقلیمی، نوسان قیمت محصول در زمان برداشت، محدودیت‌های بازاریابی می‌شود. اجرای طرح‌های زیرساخت رسانی (آب، برق، گاز و ...)، به موازات اصلاحات کالبدی ناشی از اجرای طرح‌های هادی در روستاها، موجب بهره‌مندی روستاییان از امکانات خدماتی بیشتر می‌شود. چنین تغییری وضعیت زندگی روستاییان را تحت تاثیر قرار داده و موجب علاقمندی بیشتر آنها به زندگی در روستا می‌گردد. زیرا اهداف عمومی اجرای پروژه‌های اجرایی روستاها، افزایش راندمان کار روستاییان، بهبود معیشت و رفاه سطح زندگی در روستاها، جلب سرمایه‌گذاری در روستاها، تکمیل و اصلاح چرخه تولید-مصرف روستایی، پیشگیری از مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها می‌باشد (عزمی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵). اجرای هر گونه طرح زیرساختی شامل (حمل و نقل، تامین آب، انرژی برق و گاز، خدمات دولتی و ...) و همچنین طرح‌های کالبدی نمایی متفاوت از منظر را در معرض نمایش قرار می‌دهد. از طرفی دیگر طرح هدفمندی یارانه‌ها نظر به تغییر شیوه پرداخت آن از شکل کالایی به صورت نقدی و تاثیر مستقیمی که بر کیفیت زندگی روستاییان داشته است، سبب افزایش توانایی روستاییان برای تغییر برخی عناصر کالبدی و زیستی محیط مصنوع آنها شده است (نوراللهی و همکاران، ۲۰۱۳: ۶۰). بنابراین اخذ هر گونه سیاست و برنامه‌ای توسط دولتمردان، می‌تواند منجر به هماهنگی و همسنگی منظر فضاها و محلات آنها با گذشته‌ی خود شده و ترکیب موزون و ساختار تعریف شده و معنادار در آنها دیده شود. بنابراین رویکردها و سیاست‌های مواجهه با منظر نقش به‌سزایی در کیفیت محیط و متقابلاً کیفیت منظر و تغییر آن دارد (خیرالدین و همکاران، ۱۳۹۳: ۸).

#### ▪ تکنولوژی و مکانیزه شدن

از نظر تاریخی ماشین‌آلات مقرون به صرفه که ظرفیت و استاندارد تولید را افزایش داده و باعث بهبود بهره‌وری شوند از عناصر کلیدی مکانیزاسیون کشاورزی در روستاها هستند. امروزه مکانیزاسیون به عنوان کلیدی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه کشاورزی و روستایی از اهمیت خاصی برخوردار است. مزارعی که مجهز به قدرت ماشین و نیروی موتور هستند، علاوه بر افزایش کیفیت و کمیت در کار و بهره‌برداری محصولات، در زمان و هزینه‌ی مراحل مختلف کشت نیز صرفه‌جویی می‌گردند (نجفی‌کانی و همکاران، ۲۰۱۳: ۷۳). ماشین‌آلات کشاورزی با افزایش سطح زیر کشت، ایجاد شرایط فشرده و تراکم (چند کشتی)، افزایش سرعت عملیات اجرایی روی زمین، بهبود عملیات زراعی منجر به افزایش تولید و درآمد کشاورزان و در نهایت افزایش درآمد در بخش کشاورزی را رقم می‌زند (سپهوند و همکاران، ۲۰۱۳: ۱۱۷) و براساس این افزایش سرعت و قدرت، سبب تغییر شیوه‌های بهره‌برداری قدیمی و الگوهای تقسیم اراضی متناسب با آن شیوه‌ها شده‌اند. اگر سطح و افق دید خود را گسترش دهیم و به سطح جهانی نیز نظری افکنیم، ابداعات فنی که ابعاد اجتماعی و اقتصادی زندگی روستایی را تغییر داده‌اند گسترده است، مثلاً توسعه وسایل نقلیه موتوری، روش‌های معمول تولید و مصرف در نواحی روستایی را تغییر داد. ماشین‌آلات مزارع تجاری، مانند تراکتور و کمباین دروگر، ماهیت زراعت را تغییر داد و تقاضا برای کار در مزرعه را کاهش داد و نیز به رکود کشاورزی به عنوان منبع اشتغال در نواحی روستایی کمک کرد. در این میان رشد مالکیت خصوصی اتومبیل، حمل و نقل مردم روستاها را افزایش داد و پیوندها با جوامع محلی روستایی را سست کرد. البته آمد و شد روزانه ممکن شد،

شهرگرزی افزایش یافت و وابستگی محل سکونت به محل اشتغال را از بین برد. نیروی بسیار قدرتمند جهانی شدن و به تبع آن ابداعات فنی، تاثیر عمده ای بر چشم انداز و منظر روستایی بر جای گذاشته اند (رضوانی و فرهادی، ۱۳۹۰: ۴۹). در نهایت بر اساس این دسته‌بندیها، می توان الگوی نظری- مفهومی مولفه های موثر بر منظر و چشم انداز کالبدی روستاهای حاشیه کلانشهرها را به شرح زیر ترسیم نمود (شکل ۱). در این الگو، متغیر مستقل تحقیق عوامل و مولفه های موثر بر چشم انداز و منظر کالبدی هستند که در دو قالب درونی و بیرونی به دو شکل مستقیم و غیرمستقیم منجر به این تغییر شده اند. به گونه ای که برخی با تغییر سبک زندگی به عنوان متغیر واسطه زمینه تغییر کالبدی را فراهم آورده و برخی مستقیما سبب این تغییر شده اند. در هر دو شکل زمینه برای تغییر چشم انداز و منظر کالبدی فراهم شده است.

شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق: عوامل موثر بر تغییر منظر و چشم انداز کالبدی روستاها



ماخذ: نگارنده، یافته های تحقیق، ۱۳۹۷

## ۵- نتیجه گیری و پیشنهادات

منظر و چشم انداز نواحی روستایی همیشه متأثر از تغییراتی بوده است که تحت تاثیر فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی - محیطی بسیاری به وقوع پیوسته اند. در این بین، عوامل بسیاری نظیر موقعیت کاربردی آن، از طریق نحوه و دامنه ی روابط موجود میان شهر و روستا، بر شکل پذیری منظر و همچنین بر روابط درونی و بیرونی آنها اثر می گذارد به گونه ای که تغییر منظر و چشم انداز روستاهای حاشیه کلانشهرها نسبت به سایر روستاها از سرعت بیشتری برخوردار است. در کنار اقدامات عمرانی که در روستاها با استفاده از مصالح و تکنیکهای نوین در مقایسه با شیوه سنتی انجام می شود، عوامل درونی و بیرونی بسیاری سبب بروز نوآوری در عناصر منظر روستایی می شود. در واقع فرایندهای بسیاری در قالب تحولات درون محور و برون محور سبب تغییر اجزا و ساختارهای کالبدی حاصل از روابط انسان و محیط در فضای روستایی می شوند که در مفهوم

تغییر منظر روستایی قابل تبیین می باشد. چنانچه این تغییرات تحت تاثیر نیروهای شهری ناگزیر از روابط شهر و روستا قرار بگیرد، درونمایه این تغییر به سوی منظر شهری غالب می گردد که افزون بر اجزا و کارکرد منظر روستایی، هویت و ویژگیهای آن را نیز دستخوش قرار می دهد و از درجه بومی بودن و ارگانیک بودن فضا می کاهد، آنچه امروزه در اغلب روستاهای حاشیه کلانشهرها در حال وقوع است. در راستای حفظ هویت بومی منظر روستایی و از سویی انطباق آن با کارکردهای جدید و ساختارهای رو به تغییر فضاهای روستایی که زاینده تغییر نیازهای انسان است، می توان موارد زیر را در نظر گرفت:

- تعیین استانداردهای ساخت و ساز هماهنگ و متجانس با محیط روستا (به ویژه برای گردشگران خانه های دوم و مهاجران شهری به روستا)،
- مدیریت کاربری اراضی و تناسب آن با شیوه های بهره برداری و نیازهای روستا،
- حفظ بناها و بافتهای تاریخی روستا که خود در منظر روستایی و چشم انداز آن موثر است،
- تدوین قوانین محلی و نظارتی بر ساخت و سازها و همچنین تعیین حریم روستا و شهر در روابط بین این دو بنابراین با توجه به اثرات شهرها و روستاها بر یکدیگر، آنها را به صورت منفرد و بدون پیوستگی متقابل بین آنها مورد مطالعه قرار ندهیم.

## ۶- منابع

- [۱]. آتشین بار، م. منظر روستایی در غرب ایران اومان و پالنگان روستاهای آیینی ایران، مجله علمی-پژوهشی منظر، شماره دوم، صص ۳۴-۳۰، ۱۳۸۸.
- [۲]. ادیب، م. معماری منظر و شیوه های مدیریت دانش در فرایند طراحی، فصلنامه علمی پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، سال نهم، شماره ۲۲، پاییز ۱۳۹۱، صص ۶۴-۵۵، ۱۳۹۱.
- [۳]. اصغری لقمجانی، ص. نظری، ی. سرگزی، ز. نقش محدودیت های محیطی بر توسعه کالبدی- فضایی شهرها و اثرات آن بر روستاهای پیرامون (مورد مطالعه: شهر جوانرود)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۶، پیاپی ۲۲، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۹۰-۱۷۷، ۱۳۹۵.
- [۴]. افراخته، ح. عزیزپور، ف. زمانی، م. پیوندهای کلانشهری و تحولات کالبدی- فضایی روستاهای پیرامون: دهستان محمدآباد کرج، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۰، صص ۱۲۰-۱۰۱، ۱۳۹۳.
- [۵]. اکبرپورسراسکانرود، م. نجفی، ا. مفهوم توسعه پایدار در محیط های روستایی حوزه کلانشهرها (مطالعه موردی: کلانشهر تهران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۰، تابستان ۱۳۸۹، صص ۷۹-۶۴، ۱۳۸۹.
- [۶]. اکرمی، غ. دامیار، س. رویکردی نو به معماری بومی در رابطه ی ساختاری آن با معماری پایدار، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۲۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۴۰-۲۹، ۱۳۹۵.
- [۷]. تقوائی، ح. معماری منظر «درآمدی بر تعریف ها و مبانی نظری»، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۴۸۵، ۱۳۹۱.
- [۸]. تقوی، ع. گلابی، م. اصغری، ب. بررسی نقش گرایش های مذهبی در شکل گیری و گسترش شهر اصفهان از عصر خلافت عباسی تا پایان حکومت سلجوقی (۱۳۲ تا ۵۹۰ ق/ ۷۵۰ تا ۱۱۹۸ م)، پژوهش های تاریخی (علمی- پژوهشی)، سال پنجاهم، دوره جدید، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۲۱)، بهار ۱۳۹۳، صص ۸۴-۷۱، ۱۳۹۳.
- [۹]. جلالیان، ح. سلیمانگلی، ر. پسرکلو، م. طوسی، ر. فرآیند شهرنشینی و تحول چشم انداز زراعی (مطالعه موردی: شهر مینو دشت)، فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، سال ۱۵، شماره ۵۲، صص ۲۲۱-۲۰۵، ۱۳۹۴.
- [۱۰]. حاتمی نژاد، ح. منوچهری، ا. فرجی ملائی، ا. فرهادی، ص. تحلیل کیفیت زندگی روستاهای ادغام شده در شهر: شهر میانودآب، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره شانزدهم، صص ۲۴۳-۲۱۹، ۱۳۹۰.
- [۱۱]. حاجی زاده میمندی، م. یوسفی، ف. بررسی برخی از عوامل اجتماعی مرتبط با فرهنگ مصرف در میان زنان شهر یزد، مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۲۷۱-۲۳۱، ۱۳۹۲.



- [۱۴]. حاجی ابراهیم زرگر، ا. درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، چاپ هفتم، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.
- [۱۵]. حیدری ساریان، و. نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه اجتماعی مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشگین شهر)، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۸۵-۱۰۱.
- [۱۶]. حیدری ساریان، و. مطالعه و تحلیل اثرات توسعه گردشگری بر سبک زندگی مردم روستایی (مطالعه موردی: شهرستان اردبیل)، فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، سال ششم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۵، صص ۸۲-۶۹.
- [۱۷]. خاکپور، م. عشقی صنعتی، ح. بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۸، زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۰-۳.
- [۱۸]. خراسانیان، م. نظریان، ع.ا. بررسی سیر تغییرات شهر تهران و اثرات آن بر تغییر کاربری اراضی روستاهای اطراف (مطالعه موردی: تغییر کاربری اراضی کشاورزی و باغات شهرستان اسلامشهر)، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرشهای نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۶۸-۱۵۳.
- [۱۹]. خیرالدین، ر. کاکاوند، ا. امید، م. ارزیابی تاثیر قابلیت توسعه فضای سبز با بکارگیری رهیافت پارک های جیبی در ارتقاء کیفیت منظر تاریخی شهر (مورد مطالعه: شهر قزوین)، دو فصلنامه پژوهشهای منظر شهر، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۰-۷.
- [۲۰]. دادورخانی، ف. زمانی، ح. قدیری معصوم، م. عاشری، ا. نقش گردشگری خانه های دوم در تغییرات کالبدی- فیزیکی نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان برغان، شهرستان ساوجبلاغ)، پژوهش های روستایی، دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۲۹۹-۲۷۷.
- [۲۱]. داری پور، ن. ملکی، س. بررسی نقش مولفه های منظر شهری در ارتقای سطح احساس امنیت شهروندان در فضاهای عمومی شهر اهواز (مطالعه موردی: محله گلستان)، دو فصلنامه پژوهشهای منظر شهر، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۳۶-۲۷.
- [۲۲]. دانشپور، ز. تحلیل نابرابری فضایی در محیط های پیرا- شهری، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صص ۱۴-۵، ۱۳۸۵.
- [۲۳]. درویشی، ه. عزیزپور، ف. رحمانی فضلی، ع. بیرانوندزاده، م. چشم انداز مطلوب نظام اسکان سکونتگاه های روستایی مستقر در دریاچه سد سیمره (مطالعه موردی: دهستان زیرتنگ)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی-پژوهشی دانشگاه گلستان، سال دوم، شماره مسلسل ششم، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۶-۹۹.
- [۲۴]. رضوانی، م.ر. فرهادی، ص. جغرافیای روستایی (فرآیندها، واکنش ها و تجربه های بازساخت روستایی)، تالیف مایکل وودز، ترجمه رضوانی و صامتی، چاپ اول، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.
- [۲۵]. رضوانی، م. لیوانی، م. شناسایی الگوهای زیبا شناسی منظر بومی گیلان مبتنی بر تحلیل منظر روستایی (نمونه موردی: روستای پس چپر)، دو فصلنامه پژوهش های منظر شهر، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۵۲-۳۹.
- [۲۶]. سیهوند، ا. اسفندیاری، س. مهرابی بشرآبادی، م. بررسی تاثیر مکانیزاسیون کشاورزی بر امنیت غذایی خانوارهای شهری در ایران، فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی، شماره پانزدهم، پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۲۹-۱۱۵.
- [۲۷]. سجاسی قیداری، ح. صادقلو، ط. شهدادی، ع. اثرات جهانی شدن بر تغییرات سبک زندگی در نواحی روستایی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوره هفتم، شماره ۴، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۸۸-۱۵۳.
- [۲۸]. سجاسی قیداری، ح. صدرالسادات، آ. شناسایی عوامل موثر بر تغییرات کاربری اراضی روستاهای پیراشهری کلانشهر مشهد، پژوهش های روستایی، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴، صص ۸۵۶-۸۳۱.
- [۲۹]. سرتیپی پور، م. مسکن روستایی در برنامه های توسعه، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۸۵، صص ۵۶-۴۷.
- [۳۰]. سعیدی، ع. مبانی جغرافیای روستایی، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹.
- [۳۱]. سیاف زاده، ع.ر. میره ای، م. نوده فراهانی، م. نقش کیفیت منظر شهری در ایجاد حیات اجتماعی و هویت مکانی شهر وندان (مطالعه موردی: بزرگراه نواب، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره یازدهم، بهار ۱۳۹۲، صص ۳۹-۲۹).

- [۳۲]. سید کلال، س. پوردیهیمی، ش. فضای منظر: پیوندگاه فرهنگ و طبیعت، جلد ۳۱ شماره ۱۳۸ صفحات ۱۷-۲۸. URL: <http://jhre.ir/article-۱۲۱۷-۱۳۹۳-fa.html>.
- [۳۳]. شکوئی، ح. اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ دوازدهم، نشر: تهران، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، ۱۳۸۹.
- [۳۴]. شمس الدینی، ع. جایگاه مسکن روستایی در تاثیرپذیری تغییرات کالبدی-فضایی روستاها از محیط های شهری، مسکن و انقلاب (مسکن روستایی)، جلد ۲۷، شماره ۱۲۴، صص ۵۱-۴۰، ۱۳۸۷.
- [۳۵]. شبانی، م. پورسلیمان امیری، ز. نقش محیط های طبیعی در ایجاد حس مکان در مسکن شهری، فصلنامه علمی-پژوهشی منظر، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۶، صص ۵۹-۴۶، ۱۳۹۶.
- [۳۶]. صرافی، م. « مبانی برنامه ریزی توسعه منطقه‌ای»، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۹.
- [۳۷]. صفدری، ر. قاضی سعیدی، م. زحمت کشان، م. فناوری اطلاعات تحولی نوین در توسعه سلامت شهری، مجله دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران (پیام سلامت)، دوره ۶، شماره ۳، مرداد و شهریور ۱۳۹۱، صص ۱۸۱-۱۷۰، ۱۳۹۱.
- [۳۸]. عزمی، آ. نوری، م. نصیری، ا. بابایی، ت. بررسی عوامل موثر در بهبود عملکرد طرح هادی از دیدگاه دهیاران و اعضای شورای روستایی بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال شانزدهم، شماره ۴۲، صص ۱۰۸-۸۳، ۱۳۹۵.
- [۳۹]. علوی، ع. شاکری منصور، ا. گروسی، ع. تحلیل فضایی عوامل شکل گیری خزش شهری در شهر بابل، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره نهم، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۸۸-۶۵، ۱۳۹۵.
- [۴۰]. علیزاده، ک. حاتمی نژاد، ح. نقش نظام های بهره برداری در توسعه پایدار کشاورزی ایران (نمونه موردی: بخش مرکزی تربت حیدریه)، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۸۷-۷۱، ۱۳۹۴.
- [۴۱]. علیزاده، ک. قیطاسی، ط. اثرات گسترش کالبدی شهرها بر محیط زیست پیرامون (نمونه موردی: شهر ایلام)، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، انجمن محیط زیست کومش، دانشگاه صنعت هوایی، [https://www.civilica.com/Paper-GUPSD01-GUPSD01\\_1022.html](https://www.civilica.com/Paper-GUPSD01-GUPSD01_1022.html)، ۱۳۹۲.
- [۴۲]. عینالی، ج. بوزرجمهری، خ. نظری شیخی، م. دهبانزاد، ا. رومیانی، ا. تحلیل نقش فضاهای عمومی در ارتقای کیفیت سرزندگی روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان الشتر، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه های انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳ (پیاپی ۴۰)، پاییز ۱۳۹۶، صص ۶۳۹-۶۱۹، ۱۳۹۶.
- [۴۳]. فاضلی، ن. مدرنیته و مسکن (رویکردی مردم نگارانه به مفهوم خانه، سبک زندگی روستایی و تحولات امروزی آن)، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۶، صص ۶۳-۲۵، ۱۳۸۶.
- [۴۴]. فراهی، ا. فال سلیمان، م. حجتی پور، م. حق دوست، ن. فلزی، م. اثرات گسترش فناوری اطلاعات در توسعه روستایی (مورد: روستاهای استان خراسان جنوبی)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، پیاپی ۲، صص ۹۴-۷۹، ۱۳۹۱.
- [۴۵]. فرهمند، م. سعیدی مدنی، م. سهندی خلیفه کندی، م. مطالعه تطبیقی انسجام اجتماعی بین دو قومیت آذری و کرد (مورد مطالعه: شهرهای سنندج و تبریز)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۲۲-۹۵، ۱۳۹۴.
- [۴۶]. کاشانی، م. بررسی تغییر کاربری اراضی کشاورزی حاشیه شهر ورامین و عوامل موثر بر آن طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۵۴، پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، ۱۳۸۸.
- [۴۷]. کوکبی، ل. اکرمی، غ.ر. بدری، ع. رضوانی، م.ر. مروری بر تغییر شکل منظر فرهنگی از دیدگاه اکولوژی، اقتصادی-اجتماعی؛ مطالعه منظرهای شهری-روستایی اتحادیه اروپا، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۷، پاییز ۱۳۹۳، صص ۵۰-۳۱، ۱۳۹۳.
- [۴۸]. گرجی مهربانی، ی. سرتیپی پور، م. تازی، م. ارائه طرح پایه گوارنده زیست توده روستایی برای تامین انرژی با مقیاس محلی (مطالعه موردی: روستای طینوج قم)، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۶، زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۸-۱۵، ۱۳۹۴.
- [۴۹]. ماهان، ا. منصور، ا. مفهوم منظر با تاکید بر نظر صاحب نظران رشته های مختلف، مجله علمی-پژوهشی پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر، سال چهاردهم، شماره ۴۷، اردیبهشت ۱۳۹۶، صص ۲۸-۱۷، ۱۳۹۵.

- [۵۰]. محمدی یگانه، ب. سنایی مقدم، س. تحلیل اثرات روابط شهر و روستا در مهاجرت های روستا-شهری (مطالعه موردی: دهستان پشته زیلابی، شهرستان دهدشت)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال ۷، شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۱۶-۱۰۳، ۱۳۹۶.
- [۵۱]. محملی ابیانه، ح.ر. ارزیابی مفهوم منظر در طرح های شهری مقایسه تطبیقی سیر تکوین طرح های جامع تهران با تجارب جهانی، فصلنامه علمی-پژوهشی باغ نظر، مرکز پژوهشی هنر، معماری و شهرسازی نظر، شماره هفده، سال هشتم، صص ۹۵-۱۰۴، ۱۳۹۰.
- [۵۲]. مخزومی، ج. اکولوژی، منظر و طراحی اکولوژی منظر"، ویژه نامه منظر، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۹۴، صص ۵۹-۵۲، ۱۳۹۴.
- [۵۳]. معروفی، س. انصاری، م. ارزیابی تاثیر عناصر منظر شهری بر میزان احساس تعلق محلی (مورد: محله نارمک تهران)، هویت شهر، شماره هجدهم، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۳، صص ۴۶-۳۹، ۱۳۸۹.
- [۵۴]. منتظری، م. جهانشاهلو، ل. ماجدی، ح. تحولات ساختار کالبدی فضایی شهر یزد و عوامل موثر بر آن، مطالعات محیطی هفت حصار، شماره ۲۱، سال ششم، صص ۴۲-۲۷، ۱۳۹۶.
- [۵۵]. موسوی شفايي، م. نوراللهی، ی. رضاییان قیه باشی، ا. یوسفی، ح. رضاییان، ع.ح. امنیت انسانی و چالش های توسعه انرژی های تجدیدپذیر در ایران، با تاکید بر امنیت زیستمحیطی، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره هجدهم، ویژه نامه شماره ۲، صص ۱۸۰-۱۶۸، ۱۳۹۵.
- [۵۶]. نجفی کانی، ع.ا. شاهکویی، ا. ملائی، م. پیامدهای اجتماعی-اقتصادی مکانیزاسیون کشاورزی در سکونتگاه های روستایی (مورد: دهستان استرآباد جنوبی در شهرستان گرگان)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۲، پیاپی ۱۶، صص ۹۶-۷۳، ۱۳۹۳.
- [۵۷]. نکویی نائینی، ع. تبیین ساختار کشاورزی ایران در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیست و نهم و سی ام اردیبهشت ماه، ۱۳۹۵.
- [۵۸]. نوراللهی، ع. قاسمی، م. نوغانی، م. اثر بخشی هدفمندی یارانه ها بر کیفیت زندگی روستاییان (مورد: روستاهای بخش احمدآباد شهرستان مشهد)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، پیاپی ۲۱، صص ۸۰-۵۷، ۱۳۹۶.
- [۵۹]. هادیزاده بزاز، م. مدیریت اراضی حریم شهرها: راهکاری اصولی در کاهش مشکلات شهری (نمونه: کلانشهر مشهد)، هفت شهر، شماره ۴۴-۴۳، صص ۱۶-۶، ۱۳۹۴.
- [۶۰]. یاسوری، م. مقدمه ای بر اقتصاد روستایی (با تاکید بر بخش کشاورزی)، چاپ اول، موسسه چاپ به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی؛ ۸۵۲)، ۱۳۸۶.
- [۶۱]. یاسوری، م. جوان، ف. تحلیل محدودیت های تنوع بخشی اقتصاد روستایی (مورد: دهستان اشکور علیا)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۳، صص ۳۷-۱۹، ۱۳۹۴.

[62]. Bocock, R. (1993). *Consumption, Routledg Publication*.

[63]. Bonnamour, j. (1973). *Geographic Rurale, Methodes Perspective du Geographie Applicable*, Masson Paris.

[64]. Estrada-Carmona, N, K. Hart, A, A.J. DeClercke, F, A. Harveyf, C, C. Milder, J, (2014). "Landscape and Urban Planning" . 129 (2014), PP 1-11.

[65]. Final draft for distribution to the ICOMOS membership in view of submission to the 19th ICOMOS General Assembly, (2017). "ICOMOS-IFLA PRINCIPLES CONCERNING RURAL LANDSCAPES AS HERITAGE". GA 2017 6-3-1 – Doctrinal Texts Ver. 30/07/2017 .

[66]. Jung, H-J. And Ryu, Je-H. (2015). "Sustaining a Korean Traditional Rural Landscape in the Context of Cultural Landscape". *Sustainability* 2015, 7, doi: 10.3390/su70811213. Pp-11213 -11239.

[67]. Nassauer, j. i. (2010). "Rural landscape change as a product of US federal policy": *Globalisation and Agricultural Landscapes: Change Patterns and Policy Trends in Developed Countries*, ed. Jørgen Primdahl and Simon Swaffield. Published by Cambridge University Press. # Cambridge University Press 2010. [185-200] 28.9.

[68]. Prasad Pun, D. (2004). "Rural Landscape Change: Land scape Practices, Values and Meanings the Case of Jagatpur VDC, Chitwan Nepal".